

مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، مقاله‌ی علمی-پژوهشی

سال پانزدهم، شماره‌ی چهارم، زمستان ۱۴۰۲، پیاپی ۵۸، صص ۱-۳۰

DOI: 10.22099/JBA.2023.47274.4387

تأثیر جنسیت بر رفتارهای سوگواری در مرثیه‌های شخصی فارسی

زهرا اسمعیلیان آذری*

نرگس اسکویی**

حسین داداشی***

چکیده

سوگ‌سروده‌های شخصی در میان گونه‌های غنایی، بسیار به حسیات طبیعی و عواطف راستین انسانی نزدیک است. ظهور فردیت شاعر در مرثیه‌های شخصی، امکان مطالعات روان‌شناختی / مؤلف‌محور را در این گونه‌ی ادبی فراهم کرده است. مسئله‌ی اصلی این تحقیق میان‌رشته‌ای، سنجش اثرگذاری متغیر جنسیت بر رفتارهای سوگواری در مرثیه‌های شخصی شاعران زن و مرد است. برای انجام پژوهش از روش تحقیق ترکیبی (توصیفی - تحلیل قیاسی - آماری) استفاده شده. جامعه‌ی آماری تحقیق، شامل مرثیه‌های شخصی (سوگ همسر / معشوق - فرزند) از هفت شاعر مرد و هفت شاعر زن (در مجموع ۱۶ مرثیه) است که این نتایج به دست آمد: زنان در رثای فرزندانشان بیشتر واکنش‌های عاطفی و فیزیکی از خود نشان می‌دهند؛ واکنش‌های ارتباطی و معنوی کمتر در این دسته مرثیه‌های زنان وجود دارد. مردان در سوگ فرزندانشان، واکنش‌های احساسی و

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران esmailian@yahoo.com

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران noskooi@yahoo.com (نویسنده‌ی مسئول)

*** استادیار زبان و ادبیات فارسی واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران dadashi@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۵/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۲/۱۸

فیزیکی به‌میزان فراوان، اما متفاوت‌تر و کمتر نسبت به زنان بازتاب می‌دهند؛ همچنین مردان واکنش‌های معنوی، ارتباطی و رفتاری بیشتری انعکاس داده‌اند، به‌گونه‌ای که خشم، آمریت و روی‌گردانی از ارزش‌ها با جلوه‌ای برون‌گرایانه و فرادستانه در مرثی‌های مردان قابل‌توجه است. زنان و مردان در سوگ همسر، واکنش‌های فیزیکی و احساسی کمتر و درعوض واکنش‌های معنوی بیشتری نشان می‌دهند. این امر از بار عاطفی و فردیت بازتاب‌یافته در مرثی‌های سروده‌شده برای همسر در میان سوگ‌سروده‌های شاعران زن و مرد کاسته است. مطابق داده‌های پژوهش، هرچقدر بر میزان آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی زنان افزوده شده، واکنش‌های معنوی و رفتاری در مرثی‌های آنان نمود بیشتری یافته است؛ بنابراین می‌توان تفاوت رفتارهای سوگواری در سوگ‌سروده‌های شخصی را متأثر از متغیر/ عامل جنسیت به‌شمار آورد.

واژه‌های کلیدی: جنسیت، رفتارشناسی سوگ، سوگ‌سروده‌های شخصی، فردیت شاعر، مطالعات میان‌رشته‌ای.

۱. مقدمه

می‌توان سوگ‌سروده‌های شخصی، به‌ویژه آن دسته که در سوگ فرزند یا معشوق/ همسر سروده شده‌اند را عاطفی‌ترین ساحت غنایی به‌شمار آورد. این گونه‌ی ادبی به برون‌ریزی هنرمندانه و جاندار فقدان و سوگ در آدمی اختصاص دارد و شاعر در آن به ابراز خود (فردیت) و آنچه از مصایب سوگ بر او می‌گذرد، می‌پردازد: خورشیدبانو ناتوان:

چقدر سخت است داغ فرزند
برای من این امتحان رخ داد، افسوس
(وثیق، ۱۳۹۶: ۱۶۲)

سوگ فرایندی طبیعی است که به‌دنبال پیش‌آمدن هر فقدان‌ی به‌ویژه فقدان‌هایی با پیوندهای عاطفی عمیق بروز می‌کند. به سوگ محبوب دل‌بند نشستن، یکی از غم‌بارترین مصایبی است که ممکن است آدمی در طول حیات خود تجربه کند و به‌دنبال آن مجموعه‌ای از حس‌ها و رفتارهای مرتبط با سوگ در وی پدیدار می‌شود. شخص سوگوار

بر اثر تجربه‌ی زیسته‌ی حاصل از فقدان، فرایندی عاطفی و جسمانی را طی می‌کند که در روان‌شناسی «فرایند سوگ» (The grieving process) نامیده می‌شود (رک. زندکریمی، ۱۳۸۵: ۳؛ تاجن‌جاری، ۱۳۹۶: ۲۱؛ Aldrich & Kallivayalil, 2016: 20؛ Granek, 2010: 56؛ Neimeyer, 2004: 489) و در مراحل مختلف فرایند سوگ، رفتارهای متفاوتی از شخص سوگوار بروز می‌کند.

از منظر روان‌شناسی، «رفتار» (Behavior) واکنش انسان در موقعیت‌های مختلف حیات و در برخورد با شرایط و عوامل مختلف یا به اصطلاح «محرک‌ها» (Stimulus) است. «علم رفتارشناسی» (Behavioral science) که بخش مهمی از دانش روان‌شناسی است، به بررسی رفتار انسان برای شناخت بهتر از او می‌پردازد و سوگ از مواقعی است که رفتار آدمی در آن موقعیت برای محققان رفتارشناسی بسیار مهم است؛ زیرا «رفتارشناسی سوگ» (Bereavement behavior) علاوه بر کمک به دریافت معرفت بیشتر از انسان، می‌تواند به یاری افرادی برود که فرایند سوگ را در مراحل و روند طبیعی طی نمی‌کنند و مدت‌ها در این ورطه گرفتار مانده‌اند و امکان بازگشت به زندگی عادی را نمی‌یابند. رفتارشناسان سوگ علاوه بر اینکه سوگواری را رفتاری بسیار عمیق و پیچیده در آدمی ارزیابی می‌کنند، شیوه‌ی بروز سوگواری را نیز در افراد مختلف کاملاً متفاوت می‌دانند و معتقدند که عوامل روانی، جسمانی، فرهنگی و اجتماعی در رفتارهای سوگواری و طول مدت فرایند سوگ اثرگذار است (رک. شفیع‌آبادی، ۱۳۹۴: ۴۰).

از جمله‌ی عوامل مؤثر بر کیفیت سوگواری، «جنسیت» (Gender)، به‌عنوان عنصری فرهنگی - اجتماعی، مهم و شایسته‌ی مطالعه است. باید توجه کرد که مفهوم جنسیت با آنچه هم‌زمان با تولد فرد مشخص می‌شود، متفاوت است و به‌عنوان مقوله‌ای هویتی - اجتماعی طبقه‌بندی می‌شود. خصوصیات و رفتارها بر اساس عکس‌العمل‌های هریک از گروه‌های موردنظر زنانه/ مردانه سمت‌وسو می‌گیرد و پس از آن، فرد رفتارهای جنسیت‌زده‌ی خاصی را انجام می‌دهد و همین امر باعث می‌شود تا فرد، عاملیت به استعداد و ظرفیت خود، برای آغاز و هدایت اعمالش در برابر عکس‌العمل‌هایی همچون:

احساس کنترل، قدرت و آگاهی از خویشتن را تحت سلطه‌ی محیط حاکم ببیند (رک. همان: ۴۵). آنچه ممکن است در زندگی روزانه‌ی زنان و مردان طبیعی به نظر بیاید، اغلب نتیجه‌ی نقش‌هایی است که فرهنگ آن را تولید می‌کند و در نتیجه عادی احساس می‌شود؛ بنابراین جنسیت بیش از آنکه عاملی طبیعی و فطری باشد، برساخته‌ای فرهنگی و اجتماعی است که می‌تواند به‌عنوان یکی از محرک‌های درونی یا کنترل‌گرهای مهم بر رفتارهای مختلف در رفتارشناسی انسان مطرح و تحلیل شود.

زنان و مردان شاعر، جاندارترین عواطف و تأثرات انسانی ناشی از فقدان و تجربه‌ی زیسته‌ی خود در فرایند سوگ را در سوگ‌نامه‌ها و سوگ‌سروده‌های خویش به نمایش گذاشته‌اند. در این نوع اشعار، واقعه‌ی سوگ و عوارض و تبعات آن در روح و جسم شاعر که در کنش‌ها و رفتارهای او تجلی می‌یابد، به زبان ادبی روایت می‌شود. وضوح و صراحت تصاویر سوگ و فرایند سوگواری که شاعر روایت‌گر آن است، علاوه بر آنکه در مخاطب به‌ویژه مخاطبی که این فقدان را تجربه کرده است، هم‌ذات‌پنداری قوی ایجاد می‌کند، امکان رفتارشناسی سوگ را نیز در این نوع شعر فراهم می‌آورد.

۱. ۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

سوگ‌سروده‌های شخصی، حسب حال شاعرانی است که به روایت تجربه‌ی زندگی خود از فرایند سوگ می‌پردازند. بر اساس مطالعات روان‌شناختی در مبحث رفتارشناسی سوگ، سوگواری فرایندی پیچیده و چندمرحله‌ای است که در افراد مختلف با تظاهرات متفاوت ظهور می‌یابد و عواملی چند از جمله جنسیت که برساخته‌ای فرهنگی - اجتماعی است، در کنترل و اثرگذاری بر رفتار سوگ مطرح است. مسئله‌ی اصلی پژوهش میان‌رشته‌ای حاضر آن است که ضمن تحلیل سوگ‌سروده‌های شخصی شاعران زن و مرد بر اساس نتایج مطالعات روان‌شناختی در حوزه‌ی رفتارشناسی سوگ، تأثیر احتمالی جنسیت را بر رفتارهای سوگ که در این مرثیه‌ها ظهور و بروز یافته، تجزیه و تحلیل کند. برای انجام

- پژوهش از روش تحقیق ترکیبی (توصیفی - تحلیل قیاسی - آماری) استفاده شده است. فرایند پژوهش از طریق پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر محقق خواهد شد:
- کدامیک از اطلاعات دانش روان‌شناسی در زمینه‌ی رفتارشناسی سوگ، در سوگ‌سروده‌های شخصی فارسی وجود دارد؟
 - فراوانی کدامیک از رفتارهای سوگ در سوگ‌سروده‌های مردان و زنان بیشتر است؟
 - چه تفاوت معناداری در رفتارهای سوگ در سوگ‌سروده‌های زنان و مردان برای فرزند یا همسرشان وجود دارد؟
 - جنسیت چه تأثیری بر تفاوت رفتارهای سوگواری زنان و مردان شاعر داشته است؟

۱.۲. روش تفصیلی انجام پژوهش

برای انجام این پژوهش میان‌رشته‌ای، نخست رفتارهای سوگواری موجود در مرثیه‌های زنان و مردان با تکیه بر مطالعات رفتارشناسی سوگ استخراج و آمارگیری شد. جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل مرثیه‌های مردان در سوگ فرزند، از سنایی غزنوی (۴۷۳-۵۴۵ ق)، خاقانی شروانی (۵۲۰-۵۹۵ ق)، خواجوی کرمانی (۶۸۹-۷۵۲ ق) و هاتف اصفهانی (متوفای ۱۱۹۸ ق) در مجموع ۱۷۱ بیت و از مرثیه‌های زنان شاعر در سوگ فرزندانشان، سوگ‌سروده‌های جهان‌ملک خاتون (۷۲۴-۷۸۴ ق)، خورشیدبانو ناتوان (۱۳۱۵-۱۲۴۷ ق)، عالم‌تاج قائم‌مقامی (۱۲۶۲-۱۳۲۶ ش) و سیمین بهبهانی (۱۳۰۶-۱۳۹۳ ش) در مجموع ۱۶۰ بیت گزینش شده و نیز اشعار سوگوارانه‌ی مردان (برای همسر/ محبوبشان)، از خاقانی شروانی، نظامی (۵۳۵-۶۱۲ ق)، محمدحسین شهریار (۱۲۸۵-۱۳۶۷ ش) و عماد خراسانی (۱۳۰۰-۱۳۸۲ ش) ۱۰۰ بیت انتخاب شده است. از میان شاعران زن نیز انتخاب سوگ‌سروده‌های بیجه منجمه (سده‌ی نهم هجری)، مستوره کردستانی یا ماه‌شرف خاتون مستوره اردلان (۱۱۸۴-۱۲۲۷ ش)، عالم‌تاج (ژاله) قائم‌مقامی و بدری تندی (۱۲۸۴-۱۳۶۹ ش) در ماتم همسر/ معشوق، ۱۰۶ بیت بوده است. نتایج این جست‌وجو در جدول‌ها تنظیم و آمارگیری‌های مربوط انجام و به‌شکل نمودار ارائه شده است. در

مرحله‌ی بعدی، آمار به‌دست آمده از رفتارشناسی سوگ در دو گروه، سوگ همسر و سوگ فرزند، از مرثیه‌های زنان و مردان با هم مقایسه و اطلاعات این بخش نیز در جدول‌ها و نمودارهای آماری تنظیم و ارائه شده است. مرحله‌ی پسین، تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق به روش توصیفی و تحلیل قیاسی و در آخر نتیجه‌گیری از مجموع مطالعات آماری و تحلیلی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های تحقیق است.

۱.۳. پیشینه‌ی پژوهش و ضرورت انجام آن

امامی (۱۳۶۹)، در کتاب مرثیه‌سرایی در ادبیات فارسی ضمن شناساندن گونه‌ی مرثیه و برشمردن تاریخچه‌ی آن در ادب عربی، انواع مرثیه‌ی فارسی و شاعران مرثیه‌سرا تا قرن هشتم را معرفی و تدوین کرده است. در این کتاب اثری از شعر زنان مرثیه‌گو وجود ندارد. پیش‌تر رفتار شخصیت‌های داستانی در مواقع فقدان و سوگواری در برخی از پژوهش‌ها سنجیده شده است، از آن جمله مهدی‌پور عمرانی (۱۳۸۴)، در مقاله‌ی «سلوک سوگ یا رفتارشناسی دو زن ایرانی در مرگ فرزندان خود» رفتارهای سوگ‌تهمینه در عزای سهراب را با سوگواری مادر حسنگ وزیر سنجیده و به این نتیجه رسیده که رفتار مادر حسنگ بسیار حماسی‌تر و پهلوانی‌تر از رفتار themینه است. در این مقاله، فقط از روش توصیفی برای انجام پژوهش استفاده شده و مباحث علمی رفتارشناسی موردتوجه مؤلف نبوده است.

لیلا پرویزی (۱۴۰۰)، در مقاله‌ی «رفتارشناسی و بررسی تطبیقی شباهت‌های نمایشی سوگواری در شاهنامه و قوم بختیاری» به وجود شباهت‌های فرهنگی بسیار در آیین‌های سوگواری شخصیت‌های شاهنامه و قوم بختیاری اشاره کرده است. اگرچه عنوان رفتارشناسی در برخی مطالعات پژوهشی در حوزه‌ی متون ادبی و تفسیری دیده می‌شود؛ اما اصل رفتارشناسی در اغلب این تحقیقات مبتنی بر مبانی علمی رفتارشناسی نیست و بیشتر جنبه‌ی توصیف اعمال و رفتار شخصیت‌ها را یافته است. این ویژگی در مقاله‌هایی مانند: «نگرشی کاربردی به رفتارشناسی ملکه سبا در تعامل با مردم در تفسیر آیات ۲۳ و

۲۴ نمل» (نادری و بهجت‌پور، ۱۳۹۷) و «انگاره‌ها، کنش‌ها و رفتارشناسی اژدها در قصه‌های ایرانی» (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۹) نیز دیده می‌شود. در پاره‌ای دیگر از تحقیقات ادبی، اصول و روش‌های دیگری جانشین اصل رفتارشناسی شده است، از آن جمله در مقاله‌های: «رفتارشناسی شخصیت‌های «سکوت کیست»؟» نوشته‌ی مهدی‌پور عمرانی (۱۳۸۰) (در این تحقیق، گونه‌شناسی شخصیت‌های داستان، جانشین رفتارشناسی شده است) و «رفتارشناسی سالک در مصیبت‌نامه عطار بر اساس آزمایش رنگ ماکس لوشر» نوشته‌ی فرشته ناصری (۱۳۹۸) (که در این پژوهش هم، روان‌شناسی رنگ جایگزین اصل رفتارشناسی شده است).

از معدود آثاری که از اصول و دستاوردهای علمی برای رفتارشناسی بهره‌مند شده است، می‌توان به مقاله‌ی «رفتارشناسی شخصیت‌های داستانک‌های عدل و دزد قالیاق نوشته‌ی صادق چوبک بر اساس نظریات روان‌شناسی اجتماعی» نوشته‌ی صحرایی و کنجوری (۱۳۹۴) و مقاله‌ی «رفتارشناسی مکر و نیرنگ در جامعه‌ی استبدادی از نگاه مولانا» نگارش غلامحسین‌زاده و قاسم‌زاده (۱۳۸۹) اشاره کرد.

نکته‌ی بعدی که تقریباً در تمامی این گروه تحقیقات دیده می‌شود، این است که مطالعه‌ی رفتارشناسی در این نوع تحقیقات بر پایه‌ی کنش شخصیت‌های روایت‌ها بوده و رفتارشناسی مؤلف/ شاعر آثار، مورد توجه این پژوهش‌ها قرار نگرفته است. (دلیل آن را می‌توان در انتزاعی بودن اغلب فضاهای ادبی و همچنین حضور نداشتن فردیت شاعر/ مؤلف در آثار ادبی دانست)؛ بنابراین تحقیق حاضر، هم به دلیل بهره‌مندی از اصول علمی «رفتارشناسی سوگ» و هم به دلیل «رفتارشناسی مؤلف» و همچنین به دلیل توجه و تحلیل مقایسه‌ای متغیر جنسیت در اصل رفتارشناسی، پژوهشی تازه و ضروری محسوب می‌شود.

۱.۴. چارچوب نظری پژوهش

مطالعات حوزه‌ی رفتارشناسی سوگواری در علوم روان‌شناختی بیانگر آن است که سوگ، شدت تخریب بسیار زیادی دارد و تجربه‌ی آن منجر به بروز طیفی از واکنش‌های

کارکردی در تمامی ابعاد وجودی زندگی انسان می‌شود. نتیجه‌ی تحقیقات گسترده و چندبعدی روان‌شناسان در رفتارشناسی سوگ را می‌توان در پنج گروه به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱.۴.۱. واکنش‌های فیزیکی یا جسمانی

اولین دسته از نشانه‌هایی که در شخص سوگوار بروز یا تشدید می‌یابد، نشانه‌های جسمانی است، نظیر: بی‌حسی و کرختی، سردردهای مکرر و شدید که فراوانی، شدت و مدت‌زمان زیادی دارد. تهوع بدون دلیل که عملکرد سیستم گوارشی فرد و تمایل وی به مصرف مواد غذایی را مختل می‌کند. تپش قلب ناگهانی، کشیدگی عضلات، احساس و تجربه‌ی درد در نقاط مختلف بدن، اختلال در فرایند خواب و خوردن و خوراک، بی‌تابی و کاهش سطح تحمل فرد، وحشت‌زدگی و گریه و زاری پیوسته که در بسیاری از اوقات منجر به بروز آسیب در چشم فرد می‌شود. اختلال در سیستم گوارشی، دردهای ماهیچه‌ای و استخوانی، میگرن، ضعف در سیستم ایمنی، خشکی دهان و آلرژی و تنگی نفس (رک. زندکریمی، ۱۳۹۵: ۴؛ حسن‌نیا، ۱۳۹۲: ۳۳؛ سلمانیان، ۱۳۹۵: ۲۵؛ Doering & Esima, Shear, 2015: 157; 2016: 289).

۱.۴.۲. واکنش‌های احساسی یا عاطفی

از میان شایع‌ترین واکنش‌های عاطفی در فرایند سوگواری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ناراحتی و حزن، ناباوری و انکار، ناامیدی و احساس پوچی و نگرانی و ترس از اینکه دیگر نتواند به زندگی ادامه دهد. رنج شدید به‌خاطر فقدان معشوق و محبوب، خشم و عصبانیت که ممکن است نسبت به خویشان، فردی که مرده است و نسبت به پزشکان یا حتی خداوند بروز داده شود. احساس گناه، پشیمانی و ندامت به‌دلیل کارها و گفته‌های بدی که در حق فرد فوت‌شده انجام داده است. سکوت مطلق به‌دلیل ناتوانی در پردازش اتفاق و بی‌تمایلی به درگیر شدن در عملکردهای پیرامونی حتی سوگواری، احساس پوچی عمیق و تمایل نداشتن به ادامه‌ی زندگی به‌دلیل بی‌معنا دانستن آن، درگیر شدن در آرزوها و کاش‌های مختلف که دیگر برآورده کردن هیچ‌کدام از آن‌ها ممکن

نیست و اندیشیدن به آن کاری بیهوده است و سردرگمی و گیجی از تأثیر شوک حاصل از فقدان (Simon & et al, 2014:1290; Shear & et al, 2015: 487; Bui & et al, 2015: 36; al, 2008: 36 و شفیع‌آبادی، ۱۳۹۴: ۲۵).

۱. ۴. ۳. واکنش‌های شناختی

مختل شدن کارکرد طبیعی سیستم شناختی افراد و بروز بدکارکردی در آن از دیگر خلل‌هایی است که سوگ و فقدان در افراد ایجاد می‌کند. واکنش‌های نظیر: ناباوری و انکار شناختی که طی آن فرد به این عقیده‌ی شناختی و نگرشی می‌رسد که فوت فرد موردنظر دروغی بیش نیست و او هنوز در قید حیات است. هذیان‌های شناختی، درگیر شدن در افکار شناختی همراه با ناامیدی، افزایش فراوانی نگرش‌های شناختی که به مرور فرد را به سمت بی‌معنایی و پوچی زندگی هدایت می‌کند. خلل در سیستم حافظه و وسواس شناختی بیش‌ازحد بر خاطرات گذشته (رک. سلمانیان، ۱۳۹۵: ۳۳؛ زندکریمی، ۱۳۹۵: ۲۱).

۱. ۴. ۴. واکنش‌های رفتاری

مختل شدن فرایند خواب و وقوع بدخوابی و کم‌خوابی، حواس‌پرتی و نداشتن تمرکز کافی، بی‌قراری، آه و ناله کردن پیوسته و همراه با سوز، حفظ اشیای مربوط به متوفی برای زنده نگه داشتن یاد و خاطرات وی، فراموشی کارکردی که طی آن فرد توانایی مغزی خود را در به‌یادآوردن بسیاری از امور به‌صورت موقتی از دست می‌دهد، کناره‌گیری از دیگران و نداشتن تمایل به مشارکت در تعاملات اجتماعی، دیدن رؤیاهای مکرر که فرد متوفی همواره در آن وجود دارد، گریه و زاری زیاد که شدت آن به‌حدی است که ممکن است به چشم فرد آسیب بزند، تمایل بسیار زیاد به تنهایی و گذراندن اوقات خویش در خلوت، مختل شدن فرایند تصمیم‌گیری و اشکال در انجام تصمیم‌های گرفته‌شده، پرخاشگری، تکانی شدن که در صورت کنترل نکردن ممکن است به خود فرد و دیگران آسیب جدی وارد کند، تحریک‌پذیری و زودرنجی به‌گونه‌ای که نسبت به کوچک‌ترین رفتاری مغایر با میل وی عصبانیت شدید از خود نشان می‌دهد و سریع دلگیر

می‌شود و رفتارهای خودتخریبی نظیر مصرف مواد مخدر و انجام رفتارهای وسواسی (رک. شفیع‌آبادی، ۱۳۹۳: ۴۰؛ Kersting & et al, 2011:342; Hensley & et al, 2009:146; Simon, 2013: 419).

۱.۴.۵. واکنش‌های ارتباطی

یکی دیگر از ابعادی که وقوع سوگ منجر به ایجاد خلل‌هایی در کارکرد آن می‌شود، روابط بینافردی سوگوار است؛ مانند: کاهش تعداد دوستان، ترک تعامل با بسیاری از افراد، کاهش مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، امتناع از تکالیف مربوط به حوزه‌ی اجتماعی، خلل در عملکرد شغلی، کاهش تمایل به انجام فعالیت‌ها و وظایف شغلی در محیط کاری، تکانشی عمل کردن در روابط بین‌فردی، افزایش میزان پرخاشگری ارتباطی، مختل شدن کیفیت روابط عاطفی، مختل شدن صمیمیت بین‌زوجی، کاهش تمایل به روابط جنسی (رک. زندکریمی، ۱۳۹۵: ۵۶؛ شفیع‌آبادی، ۱۳۹۳: ۶۴؛ Shear & et al, 2007: 455).

۱.۴.۶. واکنش‌های معنوی

مقصر انگاشتن خداوند در مرگ فرد، شکل‌گیری نگرش منفی نسبت به اصول اعتقادی و باورهای دینی، تأکید بر نامؤثر بودن عملکردهای معنوی در تسکین تنش حاصل از سوگ، رها کردن بسیاری از اصول اعتقادی و امتناع از به‌کارگیری آن در فرایند زندگی، بی‌تفاوتی نسبت به آموزه‌ها و هدایت‌های معنوی، مقابله با لذایذ معنوی و اصرار بر کناره‌گیری از آن (رک. سلمانیان، ۱۳۹۵: ۲۱؛ Pargament & et al, 2000: 520; Rajagopal & et al, 2004:159; Pargament & et al, 2004:726).

۲. داده‌های تحقیق

جامعه‌ی آماری این پژوهش، همچنان که در بخش روش تحقیق شرح داده شد، در دو گروه تنظیم شده است:

گروه اول، سوگ‌سروده‌های شاعران در ماتم فرزندان‌شان است. برای این گروه از میان شاعران مرد، اشعاری از سنایی غزنوی (۴۷۳-۵۴۵ ق)، خاقانی شروانی (۵۲۰-۵۹۵ ق)،

خواجهی کرمانی (۶۸۹-۷۵۲ ق) و هاتف اصفهانی (متوفای ۱۱۹۸ ق)، در مجموع ۱۷۱ بیت انتخاب شده است. از میان شاعران زن هم سوگ سروده‌های جهان‌ملک خاتون (۷۲۴-۷۸۴ ق)، خورشیدبانو ناتوان (۱۳۱۵-۱۲۴۷ ق)، عالمتاج قائم‌مقامی (۱۲۶۲-۱۳۲۶ ش) و سیمین بهبهانی (۱۳۰۶-۱۳۹۳ ش)، در مجموع ۱۶۰ بیت انتخاب و بررسی شده‌اند. مطلع اشعار انتخابی بدین شرح است:

صبحگاهی سرخوناب جگر بگشاید ژاله‌ی صبحدم از نرگس تر بگشاید
(خاقانی، ۱۳۷۵: ۲۳۴)

حاصل عمر چه دارید؟ خبر باز دهید مایه جانی است، از او وام نظر باز دهید
(همان: ۲۲۷)

لؤلؤ خوشاب من از چنگ شد یک‌بارگی لاله‌ی سیراب من بی‌رنگ شد یک‌بارگی
(سنایی، ۱۳۴۱: ۱۰۳۳)

یا من قریره مُقلتی لقیاک غایه منیتی تذکار وصلک بهجتی هذا نصیبی لیلیتی
(خواجهی کرمانی، ۱۳۷۴: ۷۲۷)

رفتی و دارم ای پسر بی تو دل شکسته‌ای جسمی وجسم لاغری، جانی وجان خسته‌ای
(هاتف اصفهانی، ۱۳۷۵: ۱۴۱)

دردا و حسرتا که مرا کام جان برفت و آن جان نازنین به جوان از جهان برفت
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۰۹)

خورشیدبانو ناتوان:

کج روش است این آسمان، افسوس بی وفا است این جهان، افسوس
(وثیق، ۱۳۹۶: ۱۶۲)

بدتر و ناخوشتر و جانسوزتر ماتمی از ماتم دلبند نیست
(قائم‌مقامی، ۱۳۷۴: ۵۱)

در پشت عروسک‌فروشی، خاموش و مات ایستاده‌ام /.../ در مرگ بی‌گاه ارژن شیرین‌ترین لعبت
من/ انگار صد بار مردم، انگار صد بار زادم (بهبهانی، ۱۳۸۲: ۱۰۰۵)

از جست‌وجوی انواع واکنش‌های سوگواری در مرثیه‌های مردان در ماتم فرزندان‌شان این نتایج به دست آمد:

جدول شماره‌ی ۱- انواع رفتارهای سوگواری در سوگ‌سروده‌های شاعران مرد برای فرزندان‌شان

انواع واکنش‌ها	واکنش‌های احساسی	واکنش‌های شناختی	واکنش‌های رفتاری	واکنش‌های ارتباطی	واکنش‌های معنوی
آبله‌زدن لب، آسیب لب، کاهش تحمل، آسیب چشم، وحشت‌زدگی، آسیب جسمی، بی‌خوابی، بدخوابی و رنگ‌پریدگی	گریه‌واری، احساس پوچی، ناامیدی و ناباوری، حزن و اندوه، ابراز خشم و عصبانیت از بیهوده بودن اعمال، ناباوری و درخواست از دیگران برای متوقف کردن مرگ فرزند		بی‌قراری، زنده‌نگه داشتن خاطرات فرزند فوت کرده	پرخاشگری	محروم کردن خود از لذایذ، شکل‌گیری نگرش منفی نسبت به باورهای دینی

جدول شماره‌ی ۲- درصد فراوانی انواع رفتارهای سوگواری

در سوگ‌سروده‌های شاعران مرد برای فرزندان‌شان

انواع واکنش‌ها	واکنش‌های فیزیکی	واکنش‌های احساسی	واکنش‌های شناختی	واکنش‌های رفتاری	واکنش‌های ارتباطی	واکنش‌های معنوی
بسامد	۱۳	۳۲	۰	۱۲	۲	۲۲
فراوانی	٪۱۶/۰۴	٪۳۹/۰۵	٪۰	٪۱۴/۸۱	٪۲/۴۶	٪۲۷/۱۶

تأثیر جنسیت بر رفتارهای سوگواری در مرثیه‌های... / زهرا اسمعیلیان آذری _____ ۱۳

مشابه همین تحقیق در مرثیه‌های زنان برای مرگ فرزندان‌شان انجام و این نتایج حاصل شد:

جدول شماره ۳- انواع رفتارهای سوگواری در سوگ‌سروده‌های شاعران زن برای فرزندان‌شان

واکنش‌های فیزیکی	واکنش‌های احساسی	واکنش‌های شناختی	واکنش‌های رفتاری	واکنش‌های ارتباطی	واکنش‌های معنوی
گریه‌وزاری، پیوسته، آسیب چشم، آسیب جسمی، بی‌خوابی،	گریه‌وزاری، احساس پوچی و تنهایی، حزن و اندوه، ابرازخشم		زنده نگه داشتن خاطرات فرزند فوت کرده		محروم کردن خود از لذایذ

جدول شماره ۴- درصد فراوانی انواع رفتارهای سوگواری

در سوگ‌سروده‌های شاعران زن برای فرزندان‌شان

انواع واکنش‌ها	واکنش‌های فیزیکی	واکنش‌های احساسی	واکنش‌های شناختی	واکنش‌های رفتاری	واکنش‌های ارتباطی	واکنش‌های معنوی
بسامد	۱۵	۲۶	۰	۵	۰	۱
فراوانی	٪۳۱/۹۱	٪۵۵/۳۱	درصد ۰	٪۰/۶۳	درصد ۰	٪۲/۱۲

گروه دوم از جامعه‌ی آماری این تحقیق، سوگ‌سروده‌های شاعران در ماتم همسر/ معشوق بوده است. برای این گروه از میان شاعران مرد، اشعاری از خاقانی شروانی، نظامی، محمدحسین شهریار (۱۲۸۵-۱۳۶۷ ش)، و عماد خراسانی (۱۳۰۰-۱۳۸۲ ش) و از میان شاعران زن، سوگ‌سروده‌های بیجه منجمه (سده‌ی نهم هجری)، مستوره کردستانی یا ماه‌شرف خاتون مستوره اردلان (۱۱۸۴-۱۲۲۷ ش)، عالم‌تاج (ژاله) قائم‌مقامی (۱۲۶۲-۱۳۲۶ ش) و بدری تندری (۱۲۸۴-۱۳۶۹ ش) انتخاب و تجزیه و تحلیل شدند. برای این

گروه هم شاعرانی با تنوع دوره و مکتب ادبی برگزیده شده‌اند. مطلع اشعار انتخابی به شرح زیر است:

بیجه منجمه:

کوکب بختم که بود از وی منور آسمان بنگرای مه‌کز فراقت در زمین است این زمان
(حجازی، ۱۳۹۴: ۱۹۳)

بدری تندری:

الا یکه تاز سخن تندری الا نغمه‌ساز وطن تندری
(همان: ۵۵۶)

به خود گفتم از دست این بختیاری گر آسوده گردم، شود بخت یارم
(قائم‌مقامی، ۱۳۷۴: ۱۲۸)

بی باغ رخت جهان مبینام بی داغ غمت روان مبینام
(خاقانی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۳۹)

بس وفا پرورد یاری داشتم بس به راحت روزگاری داشتم
(همان: ۳۶۰)

تو کز عبرت بدین افسانه مانی چه پنداری مگر افسانه خوانی
(نظامی، ۱۳۸۱: ۳۵۱)

شاهد گفتم بکش شمع که دیگر صبح است به خیالی که مرا صبح دل افروزتر است
(شهریار، ۱۳۸۹: ۱۰۵۲)

کجا رفتی که رفت از دیده‌ام دل به دنبال غمت منزل به منزل
(عماد خراسانی، ۱۳۶۲: ۲۹۲)

از جست‌وجوی انواع واکنش‌های سوگواری در مرثیه‌های زنان و مردان در عزای

همسرانشان این نتایج به دست آمد:

جدول شماره ۵- انواع رفتارهای سوگواری

در سوگ‌سروده‌های شاعران مرد برای همسر/ معشوق

واکنش‌های فیزیکی	واکنش‌های احساسی	واکنش‌های شناختی	واکنش‌های رفتاری	واکنش‌های ارتباطی	واکنش‌های معنوی
آسیب جسمی،	گریه و زاری، احساس پوچی، ناامیدی وناباوری، حزن و اندوه،		زنده نگه‌داشتن خاطرات همسر فوت کرده		محروم کردن خود از لذایذ، شکل‌گیری نگرش منفی نسبت به باورهای دینی

جدول شماره ۶- درصد فراوانی انواع رفتارهای سوگواری

در سوگ‌سروده‌های شاعران مرد برای همسر/ معشوق

انواع واکنش‌ها	واکنش‌های فیزیکی	واکنش‌های احساسی	واکنش‌های شناختی	واکنش‌های رفتاری	واکنش‌های ارتباطی	واکنش‌های معنوی
بسامد	۶	۹	۰	۷	۰	۱۷
فراوانی	٪۱۵/۳۸	٪۲۳/۰۷	٪۰	٪۱۷/۹۴	٪۰	٪۴۳/۵۸

جدول شماره ۷- انواع رفتارهای سوگواری

در سوگ‌سروده‌های شاعران زن برای همسر/ معشوق

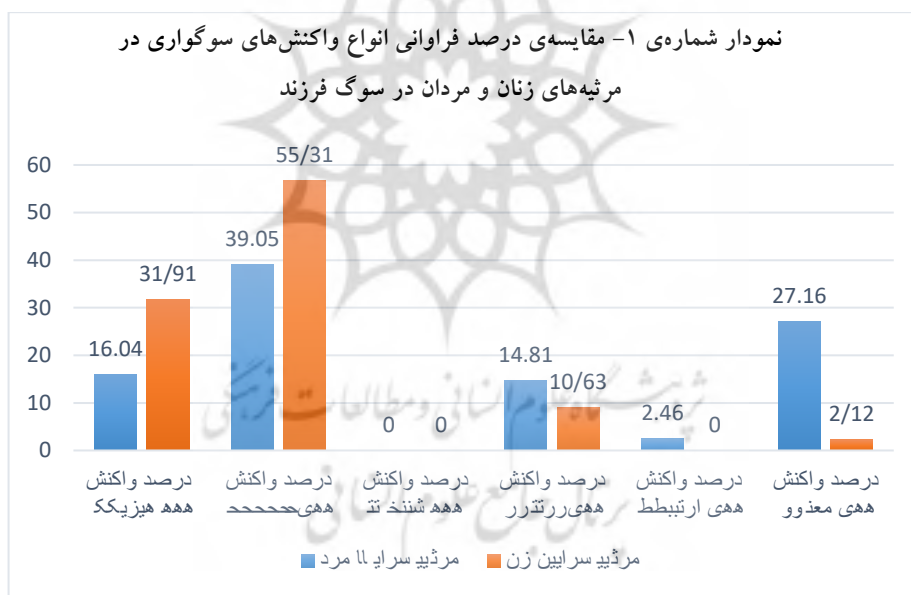
واکنش‌های فیزیکی	واکنش‌های احساسی	واکنش‌های شناختی	واکنش‌های رفتاری	واکنش‌های ارتباطی	واکنش‌های معنوی
آسیب جسمی	یأس وناامیدی، حزن و اندوه		کاهش انجام فعالیت		محروم کردن خود از لذایذ، شکل‌گیری نگرش منفی نسبت به باورهای دینی

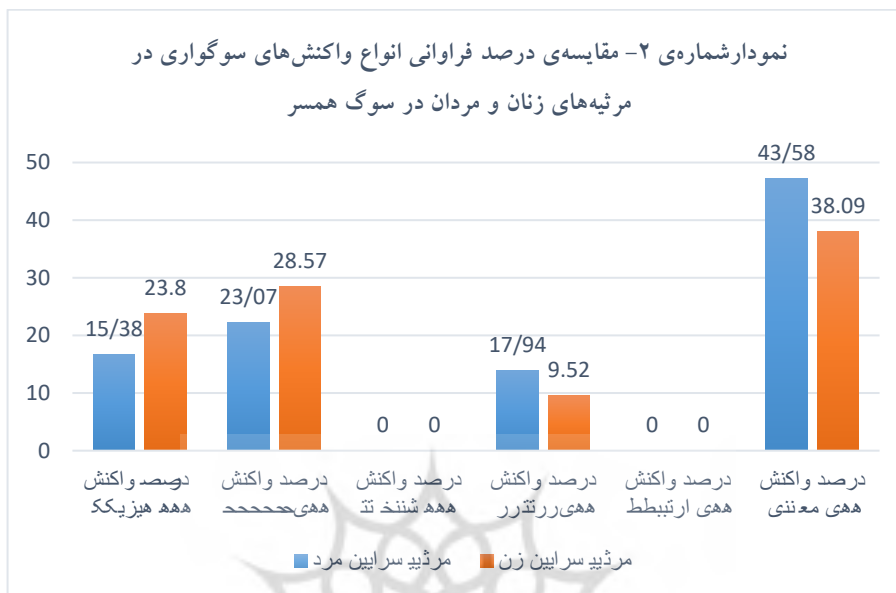
جدول شماره‌ی ۸- درصد فراوانی انواع رفتارهای سوگواری

در سوگ‌سروده‌های شاعران زن برای همسر/ معشوق

انواع واکنش‌ها	واکنش‌های فیزیکی	واکنش‌های احساسی	واکنش‌های شناختی	واکنش‌های رفتاری	واکنش‌های ارتباطی	واکنش‌های معنوی
بسامد	۵	۶	۰	۲	۰	۸
فراوانی	٪۲۳/۸۰	٪۲۸/۵۷	٪۰	٪۹/۵۲	٪۰	٪۳۸/۰۹

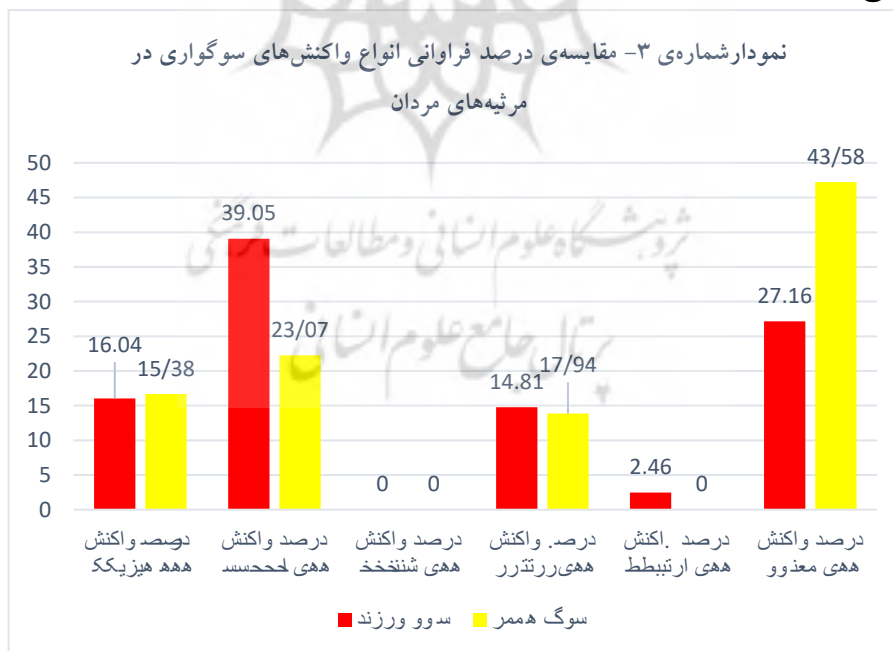
از مقایسه‌ی انواع واکنش‌های سوگواری در مرثیه‌های زنان و مردان در عزای فرزندان و همسرانشان به این نتایج رسیدیم:

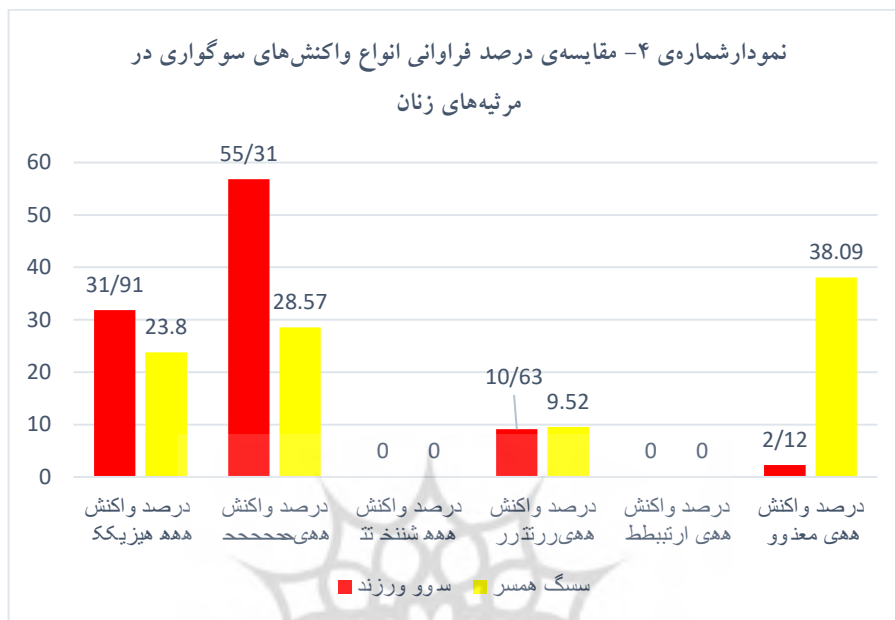




همچنین از مقایسه‌ی آمار به‌دست‌آمده از دو گروه سوگ‌سروده‌های شخصی، این

نتایج به دست آمد:





۳. تحلیل داده‌ها

مطالعات آماری ارائه‌شده در مقایسه‌ی رفتارها و واکنش‌های سوگواری در مرثیه‌های زنان و مردان بر مبنای تحقیق‌های روان‌شناسان در حوزه‌ی رفتارشناسی سوگ انجام شد. فرضیه‌ی نخست و پایه‌ای پژوهشگران تحقیق بدین ترتیب بوده که در این نوع از سوگ‌سروده‌ها، از آنجا که روایت‌گر احوال و حسیات واقعی و شخصی شاعر است و حسب حال شاعر از تجربه‌ی زیسته‌ی فقدان و عزای عزیزان، اغلب به روش واقع‌گرایانه در این‌گونه اشعار روایت می‌شود؛ بنابراین امکان مطالعات روان‌شناسی مؤلف/ شاعر وجود دارد. نخستین بهره‌های آماری این پژوهش، مؤید فرضیه‌ی نخست تحقیق است.

گام بعدی مطالعات آماری پژوهش حاضر، یافتن جواب این پرسش بوده که کدامیک از واکنش‌های سوگواری بین مردان و زنان در سوگواری‌های شخصی‌شان برای فرزند و همسر/ معشوق بیشتر یافته می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که در سوگ‌سروده‌های زنان برای فرزندان، درصد واکنش‌های احساسی (۳۱/۵۵٪) بیشتر از

سایر واکنش‌ها بوده است و واکنش‌های فیزیکی با ۳۱/۹۱٪، واکنش‌های رفتاری با ۱۰/۶۳٪ و واکنش‌های معنوی با ۲/۱۲٪ در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در مرثیه‌ی مردان برای فرزندان‌شان هم واکنش‌های احساسی (۳۹/۰۵٪)، فراوانی بیشتری دارد و واکنش‌های معنوی با ۲۷/۱۶٪، واکنش‌های فیزیکی با ۱۶/۰۴٪، واکنش‌های رفتاری با ۱۴/۸۱٪ و واکنش‌های ارتباطی با ۲/۴۶٪ در مراتب بعدی جای دارند.

۳.۱. واکنش‌های احساسی

در این گروه از سوگ‌سروده‌ها (مرثیه‌ی شاعران برای فرزندان‌شان) نظیر گریه‌ووزاری، سوزباری، شکوه و شکایت، خشم از خود و دیگران و نیز احساس ناامیدی و افسردگی هم در مرثیه‌های زنان و هم در مرثیه‌های مردان، بیشتر از سایر واکنش‌ها دیده می‌شود؛ اما شدت و بسامد این دسته از واکنش‌ها نزد زنان سوگوار بیش از مردان است:
چون ز خار فلک سقله ننالم به ستم که گل روی تو در خاک لحد مدفونست
(جهان ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۰۹)

۳.۲. واکنش‌های فیزیکی

شامل انواع آسیب‌های جسمی و دردهای تنی مانند آسیب به چشم از شدت اشکباری، خشکی دهان از سوزش تب غم، پریشان‌خوابی و... که آدمی از سوگواری متحمل می‌شود، در مرثیه‌های زنان فراوانی بیشتری نسبت به مرثیه‌های مردانه دارد. بیشترین تصویرسازی‌ها و صورت‌گری‌های بلاغی و زیبایی‌شناختی مرثیه‌ها در این نوع واکنش‌ها جای دارد و شاعران از عناصر کنایی و مبالغه‌آمیز برای توصیف آلام جسمانی خود بهره یافته‌اند. این دسته از واکنش‌ها در اشعار زنان، رتبه‌ی دوم را (در میان انواع واکنش‌های سوگ) دارد؛ ولی در شعر مردان، رتبه‌ی سوم را به خود اختصاص داده است:
در درد فراق یک زمان نغنودم وز حادثه‌ی چرخ دمی ناسودم
(همان: ۵۱۴)

از تاب دل شب تا سحر لب خشک دارم دیده تر آری چه تدبیر ای پسر هذا نصیبی لیلی
(خواجوی کرمانی، ۱۳۷۴: ۷۲۷)

بدری تندی:

لاغر و فرسوده همچو موی نگارم درهم و آشفته همچو زلف بتانم
(حجازی، ۱۳۹۴: ۵۵۸)

۳.۳. واکنش‌های معنوی

در سوگ‌سروده‌های مردان در ماتم فرزند از فراوانی بیشتری نسبت به مرثیه‌های زنانه برخوردار است. این دسته از واکنش‌ها در شعر مردان در جایگاه دوم (پس از واکنش‌های احساسی) قرار دارد؛ اما در شعر زنان در رتبه‌ی چهارم (پس از واکنش‌های احساسی، فیزیکی و رفتاری) جای گرفته است. مردان در سوگ، واکنش‌های معنوی نظیر خشم و شکایت از روزگار و روی‌گردانی از باورهای مذهبی را بیشتر ابراز می‌دارند؛ همچون دعوت خاقانی به «زنار بستن» از بیداد فلک:

پس به مویی که ببرد ز بیداد فلک همه زنار ببندید و کمر بگشاید
(خاقانی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۳۶)

اما زنان در بروز این چنین واکنش‌هایی، خویش‌داری و طمأنینه‌ی بیشتری از خود نشان می‌دهند. این تفاوت ناشی از متغیر جنسیت می‌تواند شمرده شود؛ زیرا انتظار فرهنگی و اجتماعی از زنان همواره در رعایت اخلاق و مراعات آداب و هنجارهای ارزشی جامعه بوده است. ترس از نقد و برداشت‌های منفی مخاطبان، زنان را به پرهیز از خروج از دایره‌ی دین و اخلاق دعوت می‌کند؛ اما بی‌پروایی و آزادی مردان (ناشی از فرهنگ مردسالارانه و تفوق روحیه‌ی مردانه‌ی اجتماعی) در ابراز چنین مسائلی وضوح بیشتری در مرثیه‌ی شخصی آنان دارد. در عوض زنان فروتنانه و دورنگرانه، به‌جای واکنش‌های تند و صریح معنوی، به عزلت‌گمگنانه‌ی خود پناه می‌برند و خود را از لذت‌های زندگی محروم می‌کنند.

به بیان دیگر، سوگواری مردانه در بعد معنوی بیشتر جنبه‌ی برون‌گرایانه و از موضع قدرت دارد تا آن‌حد که می‌تواند به مقدسات و اعتقادات هم پشت کند؛ اما سوگواری معنوی زنانه برای فرزندانشان، پرده‌پوشانه و از موضع فرودستانه‌تری ابراز و درنهایت به ترک ساده‌ترین لذت‌های زندگی محدود می‌شود:

بلبل بگو که باز نخواند میان باغ کان روی همچو گل ز در بوستان برفت
(جهان ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۱۴)

۳.۴. واکنش‌های رفتاری و واکنش‌های ارتباطی

که در ارتباطات و تعاملات با دیگران تجلی می‌یابد، هم در سوگ‌سروده‌های مردان و هم زنان در جایگاه‌های چهارم و پنجم قرار گرفته؛ اما در مرثیه‌های مردانه، بسامد بیشتری دارد. دلیل این تفاوت نیز عنصر جنسیت می‌تواند مطرح شود. مردان دایره‌ی ارتباطی بیشتری دارند و فرهنگ و اجتماع، فرصت برون‌گرایی و آزادی عمل و نیز رفتارهای فرادستانه‌ی بیشتری را به مردان داده و به همین دلیل است که در مرثیه‌های مردانه، به‌ویژه مرثیه‌های خاقانی در ماتم همسرش، پرخاشگری، آمریت و عاملیت بسیار بیشتری در تعاملات با دیگران نسبت به مرثیه‌های زنانه دیده می‌شود:

آفتابم گرو شام و شما بسته حلی آن حلی همچو ستاره به سحر بگشاید
(خاقانی، ۱۳۷۵: ۲۳۹)

در گروه نخست مرثیه‌ها، یعنی سوگ‌سروده‌های زنان و مردان برای فرزندانشان، نمونه‌ای برای واکنش‌های شناختی یافت نشد که حالت‌های مالیخولیایی و برهم‌ریختگی ذهن و حافظه را به تصویر درمی‌آورد. به نظر می‌رسد که این مرحله از رفتارهای سوگواری، خارج از فرایند عادی سوگ و متعلق به افرادی است که فرایندهای غیرطبیعی از سوگ را تجربه می‌کنند. اگر نمونه‌هایی از مرثیه‌ی شخصی در شعر معاصر پست‌مدرن یافته و تحلیل شود، امکان رسیدن به نمونه‌هایی از چنین تنش‌ها و برهم‌ریختگی‌های

شخصیتی و هویتی محتمل است؛ اما در مرثیه‌های شعر کلاسیک و شعر مدرن و نیمه‌مدرن، چنین موردی به دست نیامد.

در گروه دوم بررسی‌شده از مرثیه‌های شخصی، یعنی سوگ‌سروده‌های مردان و زنان در عزای همسرانشان، تفاوت‌هایی در درصد و رتبه‌ی واکنش‌های سوگواری در مقایسه با گروه نخست (مرثیه‌ی فرزندان) دیده می‌شود. در این گروه در مرثیه‌ی زنان، واکنش‌های معنوی با صعود چهار پله‌ای، در صدر فراوانی واکنش‌های سوگواری زنان قرار گرفته‌اند که پدیده‌ای مهم و درخور توجه است. دلیل این تفاوت را باید در اختلاف دوره‌های حیات شاعران زن، افزایش میزان آزادی‌های فردی و اجتماعی آنان، خاندان و تباری که به آن تعلق دارند و به‌طورکلی نحوه‌ی زیستشان دانست. شاعرانی که در گروه دوم بررسی شده‌اند، بدری تندری، شاعر عصر بیداری، در مرگ همسرش بیش از آنکه سوزوگداز کند و از ناراحتی‌های روحی و جسمی‌اش (واکنش‌های احساسی و فیزیکی) با مخاطب سخن بگوید، شعری با لحن حماسی و با قواعد مردانه در رثای همسر سروده است. وی در این شعر ارزش‌های فرهنگی - هنری و اجتماعی مطرح در عصر و روزگار خود (مانند وطن‌پرستی و آزادی‌خواهی) را در همسر فقیدش می‌ستاید. از این حیث، مرثیه‌ی تندری برای همسرش کمتر شباهتی به سوگواری‌های متداول زنانه با عواطف پررنگ و سوزباری‌های تند دارد:

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بدری تندری:

الا یک‌ت‌ساز سخن تندر
 الا ای هنرپرور نام‌جو
 الا نغمه‌ساز وطن تندر
 الا همسر پاک و پاکیزه‌خو
 اجل خیمه چون زد به درگاه تو
 بنالید چرخ از ترف آه تو
 فلک تندر و رعدی آغاز کرد
 همی زاری و گریه آغاز کرد...

(حجازی، ۱۳۹۴: ۵۵۶)

تفاوت در انواع واکنش‌های سوگواری در نمونه‌هایی نظیر سوگ‌سروده‌ی تندری، چندان است که چنین مرثیه‌ای را اگرچه در مرگ یکی از نزدیک‌ترین کسان شاعر سروده

شده باشد، دیگر نمی‌توان مرثیه‌ای شخصی به حساب آورد؛ زیرا کمتر اثری از واکنش‌های واقعی احساسی و فیزیکی سوگواری در آن یافت می‌شود؛ بلکه بیشتر مواضع اندیشگانی و گفتمانی روزگار خود را به تصویر درآورده است. مسئله‌ی اثرگذار دیگر در اختلاف میان فراوانی واکنش‌ها در مرثیاتی ماتم فرزند و سوگ همسر می‌تواند ناشی از مضمون و درون‌مایه‌ی سوگ باشد. برای زنان در سوگواری فرزندان، واکنش‌های عاطفی و فیزیکی بیشتری روی می‌نماید که نتیجه‌ی فقدان واقعی است؛ اما در سوگ مردانشان، بیش از واکنش‌های سوگوارانه صدای زنانه‌ی فرودست، اما منتقدی به گوش می‌رسد که شکواییه‌هایی بیش از سوگ در گفتمان انتقادی خود دارد.

شعری که عالمتاج قائم‌مقامی (۱۲۶۲-۱۳۲۶ش) در رثای همسرش سروده، دگردیسی کاملی در گونه‌ی مرثیه‌سرایی شخصی است. عالمتاج در این شعر با عنوان «پس از مرگ همسر» که به زبان روایی سروده شده است، ابتدا با لحنی واقع‌گرا به بیان تمایلات شخصی خود در قالب یک «زن» می‌پردازد و حکایت می‌کند که در طی حیات همسرش، پیوسته این رؤیا را در سر می‌پرورانده که «اگر روزی این بختیاری بمیرد» با همسری باب میل خود، ادیب و فرهنگ‌دوست ازدواج می‌نماید و ناکامی‌های ازدواج اول را با ازدواج دوم جبران می‌کند:

یکی شوی فاضل‌گزینم که با او جهان را دو روزی به شادی گذارم
 ندیمی به سامان و سامان عشقی نه چونان که طی گشت سالی سه چارم
 ز شعر و ز تاریخ و عرفان و هیئت سخن‌ها بگویم نکت‌ها شمارم
 (قائم‌مقامی، ۱۳۷۴: ۱۲۸)

اما آنچه پس از مرگ همسر و در قاموس یک «بیوه‌زن» تجربه و روایت می‌کند، یک تراژدی فرهنگی-اجتماعی است. در این روایت وقایع‌نگارانه و شخصی، عالمتاج از ناامیدی و آزار و اذیتی که یک زن تنها در جامعه‌ی مردسالار متحمل می‌شود، سخن می‌گوید:

مرا برفشانندند آتش به سر بر نه خصمان که خویشان بیگانه‌سارم
 یکی خورد نانم، یکی برد آبم یکی داد زهرم، یکی کوفت زارم
 ربودند و بردند و خوردند و رفتند چو چنگیزیان از یمین و یسارم

پسر رفت و شد مرد، هستی تبه شد توان گفتن اکنون به کف هیچ دارم
(همان: ۱۳۱)

در این سوگواره هم کمتر اثری از بیان واکنش‌های سوگواری می‌بینیم و درعوض مهم‌ترین عاطفه‌ای که در لایه‌ی گفتمانی این شعر دیده می‌شود، تحسّر و تأسف زنی رنج‌کشیده و فرودست است که اندیشه‌ی رهایی از زندان زندگی خانوادگی برای او به سیاهچاله‌ای از آزار و اذیت‌های اجتماعی منتهی شده است و سوگواری اصلی زن از این نقطه آغاز می‌شود:

کنون او به خاک سیه خفت و خیزد شرار غم از جان امیدوارم
گرانمایه مردی، جوانمرد شویی به سر سایه‌ای بود از کردگارم
ندانستمش قدر و اکنون چه حاصل گراز دیدگان اشک خونین ببارم
(همان: ۱۲۹)

واکنش‌های احساسی زنان در داغ فرزند (۵۵/۳۱٪) بیشتر به سمت گریه‌وزاری سو می‌گیرد و درمقابل این واکنش در عزای همسر (۲۸/۵۷٪) به شکل ناامیدی بازتاب داده شده است. اختلاف آماری این واکنش در دو نوع سوگواری زنان، ازیک سو به دلیل وابستگی‌های عمیق عاطفی پیوند میان مادر و فرزند است و ازسوی دیگر حاکی از ناامیدی و تنهایی زن با ازدست‌دادن همسر و حامی در ادامه‌ی زندگی است:
پدر نیست، شوهر نه، مادر نه، وینک به دوشی ضعیف است سنگینه بارم
(قائم‌مقامی، ۱۳۷۴: ۱۳۱)

کنش‌های رفتاری در انواع سوگ زنان با فاصله‌ی اندکی از هم (۹/۰۹٪) در عزای فرزند و (۱۰/۶۳٪) در داغ همسر قرار دارد که این امر نشان‌دهنده‌ی موضع متفاوت زنان در انجام دو نوع سوگواری می‌تواند به‌شمار آید، بدین ترتیب که زنان در سوگ فرزند بیشتر تمایل دارند تا خاطره‌ی فرزند را بازنشانی و یادآوری کنند و درمقابل در سوگ همسر، با توجه به پیدا شدن نوعی تنهایی قهری و ازدست‌دادن حامی، دچار کاهش انجام فعالیت می‌شوند:

بدری تندری

نی به نوشتن مراسم میل و نه خواندن خسته شده روح و بسته گشته دهانم
(حجازی، ۱۳۹۴: ۵۵۸)

واکنش‌های معنوی در مرثیه‌ی مردان در ماتم همسرانشان نیز بیشترین فراوانی در مقایسه با دیگر واکنش‌های سوگوارانه دارد. **کنش‌های رفتاری** مردان در فراق همسر (۱۷/۹۴٪) بیشتر از کنش‌های رفتاری بازتاب‌یافته‌ی آنان در سوگ فرزند (۱۴/۸۱٪) است. این کنش‌ها در داغ فرزند به صورت بی‌قراری، بی‌تابی و خشم و در عزای یار/ معشوق با زنده نگه داشتن خاطرات اظهار می‌شود. خاقانی مواهب زندگی را پس از مرگ همسر بر خود حرام می‌داند؛ اما کمتر بودن واکنش‌های احساسی و فیزیکی، برخلاف مرثیه‌هایی که در سوگ فرزندش سروده و قیامتی از غم، عزا، خشم و آمریت در آن‌ها برپا کرده، به گونه‌ای محسوس از بار عاطفی این گروه سوگ‌سروده‌های خاقانی کاسته است:

بی‌وصل تو کاصل شادمانی است تن را دل شادمان مینام
بی‌لطف تو کآب زندگانی است از آتش غم امان مینام
یک دانه‌ی آفتاب، بی‌تو بر گردن آسمان مینام
(خاقانی، ۱۳۷۵: ۳۳۱)

۴. نتیجه‌گیری

در مقایسه‌ی رفتارهای سوگواری در مرثیه‌های زنان و مردان در فقدان فرزند و همسر بر اساس رفتارشناسی سوگ و با در نظر گرفتن متغیر جنسیت، به این نتایج دست یافتیم:
- انواع رفتارهای سوگواری که در مرثیه‌ی زنان و مردان انعکاس یافته است، قابلیت انطباق با یافته‌های روان‌شناسان در حوزه‌ی رفتارشناسی سوگ را دارد. واکنش‌های احساسی یا عاطفی در سوگ‌سروده‌های زنان و مردان برای فرزندان‌شان، بیشترین فراوانی را دارد. این‌گونه واکنش‌ها در مرثیه‌های زنان قوی‌تر از مرثیه‌ی مردان است. واکنش‌های احساسی

در مرثیه‌های زنان و مردان برای همسرانشان، فراوانی کمتری نسبت به نوع اول دارد (این امر از بار عاطفی مرثیاتی نوع دوم کاسته است).

زنان و مردان واکنش‌های‌های احساسی مشابهی نظیر بی‌تابی و ناباوری از خود بروز می‌دهند؛ اما خشم و تندی در مردان بیشتر از زنان است. واکنش‌های فیزیکی در مرثیاتی زنان و مردان، جایگاه تقریباً برابری دارد. در مرثیه‌های زنانه برای فرزند و همسرشان واکنش‌های فیزیکی در رتبه‌های دوم و سوم و در مرثیه‌های مردان، در هر دو گونه در جایگاه سوم قرار دارند. مردان (به‌ویژه خاقانی) جزئیات بیشتری از واکنش‌های فیزیکی را در مرثیه‌های خود انعکاس داده‌اند.

- واکنش‌های شناختی که رفتارهای غیرطبیعی یا سوگواری‌های بیمارگونه را به نمایش می‌گذارد، در هیچ‌یک از مرثیاتی یافت نشد که یک دلیل آن می‌تواند به واقع‌انگاری مؤلف مرتبط باشد (واقعاً چنین حسیاتی را تجربه نکرده است) و دلیل دوم را می‌توان تبعیت اغلب شاعران از سنت‌های ادبی و عرفی دانست.

- واکنش‌های رفتاری در مرثیه‌های مردان (در هر دو گروه) بیشتر از واکنش‌های زنان است. مردان در سوگواری کنش‌مندتر از زنان هستند و کاهش فعالیت به‌دلیل سوگ در زنان محسوس‌تر است. این عامل می‌تواند ناشی از درون‌گرایی جنسیتی باشد و باعث عزلت شود. واکنش‌های ارتباطی تنها در مرثیه‌های مردان برای فرزندشان یافت شد. در این واکنش‌ها، پرخاشگری مردانه بازتاب می‌یابد که از برون‌گرایی و تفوق و آمریت جنسیتی حکایت می‌کند. واکنش‌های معنوی جایگاه کاملاً متفاوتی در دو گروه مرثیه‌های زنانه دارد. مطابق آمار، زنان در سوگ همسر واکنش‌های معنوی بسیار بیشتری نشان می‌دهند. هرچقدر که بر میزان آزادی‌های اجتماعی زنان در جوامع و میان اقوام افزوده شده، این گروه واکنش‌ها در رفتار سوگواری زنان برجستگی بیشتری یافته است.

منابع

امامی، نصرالله. (۱۳۶۹). مرثیه‌سرایی در ادبیات فارسی ایران. تهران: جهاد دانشگاهی.

- بهبهانی، سیمین. (۱۳۸۲). *مجموعه اشعار*. تهران: نگاه.
- پرویزی، لیلا. (۱۴۰۰). «رفتارشناسی و بررسی تطبیقی شباهت‌های نمایشی سوگواری در شاهنامه و قوم بختیاری». *اولین همایش ملی تناتر و ارتباط فرهنگی*، شیراز، <https://civilica.com/doc/1307761>. صص ۲۲۹-۳۱۳.
- تجن‌جاری، امین. (۱۳۹۶). *بررسی کیفی فرایند سوگ در مادران شهید*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- جهان‌ملک، خاتون. (۱۳۷۴) *دیوان*. تصحیح پوراندخت کاشانی‌راد و کامل احمدنژاد، تهران: زوار.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۹۶). *زنان مؤدب تاریخ شعر و ادب زنان ایران زمین از آغاز تا ۱۳۲۰ شمسی*. تهران: قصیده‌سرا.
- حسن‌نیا، صادق. (۱۳۹۲). *بررسی پیامدهای روانی و اجتماعی سوانح ترافیکی منجر به مرگ بر خانواده‌های بازمانده*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل بن علی. (۱۳۷۵). *چامه‌ها و ترکیب‌بندها*. تصحیح میرجلال‌الدین کزازی، تهران: مرکز.
- خواجه‌ی کرمانی، کمال‌الدین ابوالعطاء. (۱۳۷۴) *دیوان*. تصحیح سعید قانع، تهران: بهزاد.
- زندکریمی، انیسه. (۱۳۹۵). *اثر بخشی روایت درمانی گروهی بر پذیرش سوگ داغدیدگان شهر تهران*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- سلمانیان، سحر. (۱۳۹۵). *بررسی کیفی مؤلفه‌های شک و قطعیت بدنی در زنان معلول سانحه‌ای*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- سنایی غزنوی، ابوالجدود مجدودبن‌آدم. (۱۳۴۱). *دیوان*. تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران: اتحاد.
- شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۹۴). *روش‌ها و فنون مشاوره (مصاحبه‌ی فردی)*. تهران: فکر نو.
- شهریار، محمدحسین. (۱۳۸۹) *دیوان*. ج ۲، تهران: نگاه.

صحرائی، قاسم؛ کنجوری، احمد. (۱۳۹۴). «رفتارشناسی شخصیت‌های داستانک‌های عدل و دزد قالیاق نوشته‌ی صادق چوبک بر اساس نظریات روانشناسی اجتماعی».

ادبیات پارسی معاصر، سال ۵، شماره‌ی ۴، صص ۶۱-۸۰.

عماد خراسانی، سیدعمادالدین. (۱۳۶۲). *دیوان اشعار*. تهران: جاویدان.

غلامحسین زاده، غلامحسین؛ قاسم‌زاده، سیدعلی. (۱۳۸۹). «رفتارشناسی مکر و نیرنگ

در جامعه‌ی استبدادی از نگاه مولانا». *نثرپژوهی ادب فارسی (ادب و زبان)*، سال ۱۳،

شماره‌ی ۲۸، صص ۱۵۷-۱۸۲.

قائم‌مقامی، عالمتاج. (۱۳۷۴). *دیوان ژاله*. تصحیح احمد کرمی، تهران: ما.

مهدی‌پورعمرانی، روح‌الله. (۱۳۸۰). «رفتارشناسی شخصیت‌های «سکوت کیست»؟»

پژوهشنامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان، سال ۷، شماره‌ی ۲۵، صص ۱۳۹-۱۴۷.

_____ (۱۳۸۴). «سلوک سوگ یا رفتارشناسی دو زن ایرانی در مرگ

فرزندان خود». *آزما*، سال ۸، شماره‌ی ۳۸، صص ۱۴-۱۵.

نادری، حمید؛ بهجت‌پور، عبدالکریم. (۱۳۹۷). «نگرشی کاربردی به رفتارشناسی ملکه

سبا در تعامل با مردم در تفسیر آیات ۲۳ و ۲۴ نمل». *مطالعات تفسیری*، دوره‌ی ۹،

شماره‌ی ۳۵، صص ۱۲۱-۱۴۴.

ناصری، فرشته. (۱۳۹۸). «رفتارشناسی سالک در مصیبت‌نامه عطار بر اساس آزمایش رنگ

ماکس لوشر». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی (زبان و ادبیات فارسی)*، دوره‌ی ۱۵،

شماره‌ی ۵۵، صص ۲۲۷-۲۵۸.

نظامی، الیاس‌بن‌یوسف. (۱۳۸۱). *کلیات خمسه نظامی گنجوی*. تصحیح وحید دستگردی،

تهران: نگاه.

وثیق، منصوره. (۱۳۹۶). *بانوان مرثیه‌سرا و شاعره‌های آیینی و عرفانی آذربایجان*. سفیر

اردهال.

هاتف اصفهانی، سیداحمد. (۱۳۷۵). *دیوان*. تصحیح اقبال آشتیانی، تهران: نوبهار.

یوسفی، سحر و همکاران. (۱۳۹۹). «انگاره‌ها، کنش‌ها و رفتارشناسی ازدها در قصه‌های ایرانی». *مطالعات ایرانی*، دوره ۱۹، شماره ۳۸، صص ۳۰۱-۳۲۱.

- Aldrich, H., & Kallivayalil, D. (2016). «Traumatic grief after homicide: intersections of individual & community loss». *Journal of Illness, Crisis & Loss*, 24(1), pp: 15-33.
- Bui, E & et al. (2015). «The structured clinical interview for complicated grief: reliability, validity, & exploratory factor analysis». *Journal of Depress Anxiety*, 32(7), pp: 485-492.
- Doering, B. K., & Esima, M. C. (2016). «Treatment for complicated grief: state of the science & ways forward». *Journal of Current Opinion in Psychiatry*, 29(5), pp 286-291.
- Granek, L. (2010). Grief as pathology: The evolution of grief theory in psychology from Freud to the present. *Journal of History of Psychology*, 13(1), pp: 46-73.
- Hensley, P. L & et al. (2009). «Escitalopram: an open-label study of bereavement-related depression & grief». *Journal of Affect Disorder*, 113(1-2), pp: 142-149.
- Kersting & et al. (2011). «Prevalence of complicated grief in a representative population-based sample . *Journal of Affect Disorder*, 131(1-3) , pp:339-343.
- Neimeyer, R. A. (2004). «Research on grief & bereavement: Evolution & revolution». *Journal of Death Studies*, 28(1), pp: 489 -490.
- Pargament, K. I & et al. (2004). « Religious outcomes among medically ill elderly patiens: a twoyear longitudinal study» *Journal of Health Psychology*, 9(1), pp: 713-730.
- Pargament, K. L & et al (2000). «The many methods religious coping: development & initial validation of the RCOPE» *Journal of Clinical Psychology*, 56(4), pp: 516-543.
- Rajagopal, D & et al. (2004). «The effectiveness of a spirituality_based intervention to alleviate sub syndrome anxiety & minor depression among older adults». *Journal Springer Netherland*, 4(2), pp: 153-166.
- Shear, K & et al. (2007). «An attachment-based model of complicated grief including the role of avoidance» *European Archives Psychiatry Clinical Neuroscience*, 257(8), pp: 453-461.
- Shear, M. K. (2015). «Clinical practice. Complicated grief». *The New England Journal Medicine*, 372(2), pp: 153-160.

- Shear, M. K & et al. (2014). «Treatment of complicated grief in elderly persons: a randomized clinical trial». *JAMA Psychiatry*, 71(11), pp: 1287-1295.
- Simon, N. M. (2013). «Treating complicated grief» . *JAMA Journal*, 310(4), pp: 416 -423.
- Simon, N & et al. (2008). «Impact of concurrent naturalistic pharmacotherapy on psychotherapy of complicated grief». *Journal of Psychiatry Research*, 159(1-2), pp: 31-36.

